گزیده

زهرا چیذری

اقامه نماز جماعت ظهر عاشورا پس از ۲ سال کرونایی

اقامه جماعت نماز ظهر عاشورای ۱۴۰۱ پس از دو سال سخت کرونایی و تعطیلی مراسم‌ها و مناسک یک‌بار دیگر شور و حال محرم را در دل عاشقان حسینی زنده کرد. دسته‌جات سینه‌زن و زنجیرزنی که برای اقامه عزای حسینی و بزرگداشت سالروز شهدات قیام عاشورا بعد از دو سال به کوچه و خیابان آمده بودند تا شور و شعور حسینی را به تصویر بکشند، با برخاستن نوای الله اکبر اذان ظهر از ماذنه‌ها، در صفوفی به هم پیوسته زیباترین جلوه تأسی به اهل‌بیت(ع) یعنی برپایی نماز جماعت را به تصویر کشیدند. سید ابراهیم رئیسی، رئیس جمهور هم با حضور در حرم حضرت عبدالعظیم حسنی، نماز ظهر عاشورا را به جماعت اقامه کرد.

یکی از مهم‌ترین نکته‌ها در عزاداری های امسال بازگشت به سنت اقامه عزای حسینی و درآمیختن شور حسینی با شعور شیعی بود. به گونه‌ای که امسال در کمتر هیئتی شاهد برگزاری مراسم‌های دون شأن اهل بیت و دوستدارانشان و خوانش نوحه‌ها و شعرهایی بودیم که گرته‌برداری از خوانندگان و آهنگ‌های غیرمذهبی است و یا استفاده از ابزار آلات موسیقی در دسته‌جات عزاداری حسینی بودیم. انگار دو سال دوری از برکت هیئات مذهبی و تجمع‌های پرشور حسینی، همه را دلتنگ برپایی عزاداری های ناب سنتی کرده‌بود. همان عزاداری‌هایی که سرچشمه شعور و معرفت است و پویایی آن ستون‌های پوشالی هر ظلم و غفلتی را می‌لرزاند. همچنان که به تعبیر امام امت، این محرم و صفر است که اسلام را زنده نگه داشته‌است.

■ عطش عاشقی

عطش عاشقی را کسانی درک می کنند که دوری از محبوب را تجربه کرده‌اند. دو سال دوری از هیئت و اقامه عزای حسینی به شکلی محدود و با ضوابط خاص عاشـقان حضرت عشـق را به عطشی سخت گرفتار کرده‌بود. انگار در این دو سال بیشتر حال تشنگان دشت کربلا را درک می‌کردیم که عطش آنان هم نه فقط تشنگی بر آب که از جنس عشق بود و ما نیز با وجود عطش عشق به سرچشمه خوبی‌ها و اقامه عزا و نفس کشیدن در هوای روضه‌هایش مجبور بودیم دندان روی جگر گذاشته و برای رعایت شیوه‌نامه‌های بهداشتی، عزای حسینی را به شکل و سیاقی متفاوت از همیشه برپا داریم. امسال بعد از دو سال دوری، کارشناسان حوزه سلامت با شرط و شـروطی اجازه دادند مجالس عزای حسینی دوباره برقرار شود و هیئات و دسته‌جات عزاداری اجازه داشتند به خیابان بیایند و یک‌بار دیگر نوای یا حسـین و یا ابالفضل عاشقان حسینی در گوشمان طنین‌انداز شود. نوایی که انگار با صدای ملائک در هم می‌آمیزد و از عرش تا فرش همه موجودات از جماد و جاندار با آن هم صدا می شوند تا هر یک سهم خود را از دلدادگی به حسین بن علی برگیرند و در این عاشقی سیر و سلوک عرفانی‌شان را تجربه کنند.

■ بازگشت به سنت اقامه عزای حسینی

از همه مهم‌تر اینکه امسال در میان هیئات و دسته‌جات عزاداری کمتر با بدعت‌هایی همچون استفاده از آلات موسیقی یا شعرها و نوحه‌های برگرفته از آهنگ‌های برخی خوانندگان خارج‌نشین! مواجه بودیم. انگار عطش دو سال دوری از هیئت، سینه‌زنی و زنجیرزنی، ارزش و اهمیت اقامه عزای حسینی را بیش از پیش برای همه روشن کرده‌بود. انگار همه حس می کردند حالا که دوباره فرصتی برای اقامه عزای حسینی به ما داده‌شده‌است، باید قدردان لحظه های حضور در هیئت و نفس کشیدن در جغرافیای عشق حسینی باشیم تا دل‌هایمان به حرمت این عاشقی لایق درک خدایی‌ترین لحظه‌های زندگی شود و به حرمت قافله‌سالار عاشقان، سیر آفاق و انفس کنیم و به تعبیر مولا « باید که جمله جان شوی تا لایق جانان شوی » را به جا بیاوریم.

■ این گواه پیروزی خون بر شمشیر است

امسال اما همچون سـال‌های قبل از کرونا زیباترین جلوه اقامه عزای حسـینی با اقامه نماز جماعت ظهر عاشـورا به منصه ظهور رسید که جاری شدن نوای «اشهد ان محمد رسول‌الله» و «اشهد ان علیا ولی‌الله» از ماذنه‌های شهر و پیچیدن این نوای آسمانی در گوش تاریخ ، یک بار دیگر گواه پیروزی خون حسـینی بر شمشـیر اموی است. شیعیان و عاشقان حسینی به شکرانه نعمت حسینی و علوی بودن یک‌بار دیگر در صفوفی به هم پیوسته نماز ظهر عاشـورا را اقامه کردند؛ نمازی که بی‌تردید نقطه اتصال شور حسینی به شعور علوی است.

پیام جوان

سلام بر شـما مخاطبان همیشـگی «جوان». این سـتون متعلق به شماسـت. دلگویه‌های شـما عزیـزان را از طریـق شـبکه‌های اجتماعـی یـا شـماره ۰۹۱۹۰۹۶۸۵۳۰ یا تلفن: ۸۸۴۹۸۴۴۸ پذیرا و شـنوا هستیم. در نظر داشته باشـید این ستون را مسئولان و مدیران با حساسیت ویژه می‌خوانند.

اسکن کنید

■ **شـهروند – قزویـن:** چند روز پیش در اخبار صدا و سیما خبری را پخش کردند که خبرنگار به صورت مفصل به بررسی گرانی لوازم خانگی پرداخته بود. تولیدکنندگان لوازم خانگی داخلـی برای فـروش تولیدات خـود، به روش‌هـای مختلف افزایش قیمتی چند برابری را اعمـال کرده‌اند و محصولات را در اختیار دلالان مورد نظر قرار می‌دهند و در این چرخه قیمت محصولات چند برابر شده و در اختیار مردم قرار می‌گیرد. بعد از حمایت‌های رهبر انقلاب از شـرکت‌های تولیدکننده لوازم خانگی داخلی، آنها این حمایت را قدر ندانستند و با سوءاستفاده از حمایت رهبری بـه جای جلب رضایت مشـتریان داخلی و تأمین بازار، راه خودروسازان داخلی را در انحصار پیش گرفته‌اند. تقاضا می کنم مسئولان دولت جدید که شعار عدالت‌خواهی سر می‌دهند به این مشکل رسیدگی و مشکلات را حل کنند.

■ **شهروند – لرستان:** جلوی نابودی جنگل‌های زیبای بلوط شهرستان کوهدشت لرستان را بگیرید. هیچ مسئولی پیگیر نیست، همه درختان در حال نابود شـدن هستند. متأسفانه مردم هم به حفظ و نگهداری درختان این جنگل توجهی نمی کنند و مسئولان هم هیچ اقدامی برای جلوگیـری از نابودی درختان جنگل بلوط در این شهرستان انجام نمی‌دهند. از مسئولان کشوری در حوزه جنگل‌داری تقاضا می کنم که این مشکل را بررسی کنند.

خبر کوتاه

■ فرمانده مرزبانی فراجا اعلام کرد که برای تسهیل تردد و امنیت زائران در مرزها، دیپلماسی و هماهنگی‌های مرزی جمهوری اسلامی ایران و عراق در بالاترین سطح ممکن انجام شده‌است. در همین رابطه رئیس ستاد مرکزی اربعین حسـینی گفت: تلاش می کنیم اینترنت زائران ایرانی اربعین در عراق رایگان باشد.

■ «کارگروه اجرایی رتبه‌بندی معلمان» با صدور اطلاعیه شماره یک خود، اعلام کرد: میـز کار رتبه‌بندی معلمان (ناظر سـتادی) به طور رسمی آغاز به کار کرد.

■ مراکز مداخله در بحران در راسـتای کنتـرل و کاهش بحران‌های فردی، خانوادگی و اجتماعی خدماتی متناسب با نیاز افراد را به صورت رایگان، شـبانه‌روزی و همچنین به صورت سرپایی و نگهداری موقت به جامعه هدف خود ارائه می کند. زنان و دختران در معرض آسـیب و آسیب‌دیده اجتماعی می‌توانند به مدت ۲۰ و حداکثر ۳۳ روز از خدمات نگهداری موقت این مراکز استفاده کنند.

گزارش یک

سجاد آذری

کارشناس محیط‌زیست در گفت و گو با «جوان»:

سیل در سرزمین ما یعنی تاب‌آوری سرزمین و تداوم حیات!

محمد درویش: نعمت سیل را با آزمندی‌ها و گردنکشی‌هایمان به نقمت تبدیل کرده‌ایم

سیل‌های اخیر در کنار تلفات انسانی، خسارات زیادی به محصولات کشاورزی و همچنین مراتع کشور وارد کرده‌است. از سـوی دیگر به گفته مسئولان، سیل حجم آب سدها را هم آنقدر زیاد نکرده‌است که بتوان گفت از خشکسالی امسال به راحتی عبور خواهیم کـرد. با وجود همه این مسائل، محمد درویش کارشناس محیط‌زیست در گفت و گو با «جوان» از دلایل خوب‌بودن سیل برای کشور ما گفته‌است. معاون سابق سازمان محیط‌زیست همچنین در این گفت و گو، دلایل ایجاد مشـکلات سـیلاب‌های اخیر را تشریح کرده و به راه‌حل جلوگیری از آنها پرداخته‌است.

از یک طرف اخیراً شـاهد سـیل در کشور بودیم و از طرف دیگر چند دهه است که خشکسالی را در کشور تجربه می‌کنیم. در این شرایط راهکاری که بتوانیم هم خسارت سیل را کم کنیم و هم از بحران خشکسالی خارج شویم، چیست؟

دلیل اینکه سیل‌ها در کشـور ما دارند حادثه‌خیز می‌شـوند دو مؤلفه جدی اسـت؛ یکـی اینکه ما پوشـش‌های طبیعی خود را در کوهسـتان‌ها از دسـت‌رفته می‌بینیم و در نتیجه وقتـی که باران اتفاق می‌افتد، هیچ مانع طبیعی برای کنترل سرعت روان‌آب‌ها وجود ندارد و روان‌آب به شکل هرزآب با سرعت زیادی متناسـب با شیب منطقه به سمت پایین حوزه‌های آبخیز حرکت می‌کند.

دومین نکته این اسـت که به حریم رودخانه‌هایی که طی میلیون‌ها سال مسیر حرکت این هرزآب‌ها و روان‌آب‌ها بوده‌اند، تجاوز و محدوده آنها بسـیار کوچک‌تر از مکان طبیعی‌شان شده‌است. در نتیجه دیگر گنجایش هدایت این هرزآب‌ها را که به مراتب بیشتر از قدیم است، ندارند، چون با پوشش گیاهی کمتر، بیشـتر طغیان می‌کنند و از مسیر طبیعی خود بیرون می‌زنند و تمام سازه‌هایی را که اطراف آنهاست، نابود می‌کنند.

ما خسـارت خود را مضاعف کرده‌ایم. هم پوشش گیاهی را در بالا دسـت از بین برده ایم، هم تغییر کاربری داده‌ایم. مسـاحت جنگل‌هایمان به بهانه توسعه کشاورزی و مساحت اراضی کشاورزی هم به بهانه شهرک‌های مسـکونی، ویلایی و صنعتی کم شده‌است. از طرف دیگر به حریم بستر سیلابی رودخانه‌ها تجاوز کردیم و اینها همه دست به دست هم داده تا چنین بحرانی به وجود بیاید.

سرزمین ما در عرض ۲۵ تا ۴۰ درجه نیم‌کره شمالی قرار گرفته و در کمربند خشکی هستیم. در چنین کمربندی‌ای تنهـا ممری که موجـب تاب‌آوری سـرزمین، حاصلخیزی خـاک و همچنین تداوم حیات می‌شود، همین سیل‌هاسـت؛ سیل‌ها در طول تاریخ از کوهستان‌ها به سمت دشت‌ها آمده‌اند و مواد غذایی به دشت‌ها رسانده‌اند و آرام‌آرام سرعت آنها کم شـده و در آنجا ما جلگه‌های حاصلخیزی مانند جلگه‌های میناب، جازموریان و غیره را ایجاد کردیم و اینها قطب‌های کشاورزی ما بوده‌اند، ولی الان نعمت سیل را با آزمندی‌ها و گردنکشی‌هایمان در برابر قوانین طبیعت به نقمت تبدیل کرده‌ایم؛ خود سیل مشـکلی ندارد، اگر اجازه بدهیم مسیر طبیعی خود را ادامه بدهد.

خوشبختانه ما چون آبرفت‌های درشت‌دانه بسیاری داریم، اصلاً نیازی به مهار سیلاب نداریم؛ دست‌کم ۴۰۰ میلیارد متر مکعب ذخیره آبخوان در کشور داریم و به راحتی می‌تواند حجم‌های بزرگ‌تری از این سیلاب‌ها در این آبرفت‌های درشت‌دانه در مرکز ایران ذخیره شود. ما در خوزستان چاه نمی‌توانیم بزنیم، چراکه در آنجا آبخوان نداریم و همه آب‌ها در سطح زمین جاری است، ولی در بخش زیادی از استان اصفهان، سمنان، خراسان، یزد، کرمان، هرمزگان امکان زیادی برای ذخیـره آب داریم و فقط کافی است اجازه دهیم اتفاقاً سیل جاری شود و بیاید در این تالاب‌هـا و تالاب‌های مرکزی ایران مانند بختگان، طشک، کمجان، شادگان، پریشان، دشـت ارژن، جازموریان یا گاوخونی جاری شود و در آنها آرام‌آرام جذب شـود و برای این سرزمین برکت بیاورد.

این تصور که این سـیلاب دارد هدر مـی‌رود و ما نتوانستیم اسـتفاده کنیم هم تفکر کاملاً غلطی اسـت. تنها جایی که ما در سـیل اخیر مرداد ماه واقعـاً آب را هدر دادیـم، در یزد بود کـه به دلیل معماری ابلهانه‌ای که در سـاختار جدید شهر یزد اعمال‌شده تمام آب در خود شهر ماند و نتوانست وارد آبخوان‌های خارج شهر شود. در حالی که قبلاً یزد شهر قنوت، قنات و قناعت بود و از طریق همین قنات‌ها سیلاب‌ها می‌توانسـت به سفره آب‌های زیرزمینـی هدایت پیدا کند و هیچ مشـکلی هم پیش نمی‌آمد، ولی در معماری شهری وقتی ما این مسائل را انکار می‌کنیم و همینطور می‌رویم پل و اتوبان و تقاطع غیرهمسـطح می‌سازیم، می‌شود همین فاجعه شرم‌آوری که در یزد پیش آمد که این آب‌ها همینطور ماند تا تبخیر شود و کسی نتواند از آن استفاده کند، اما مثلاً در سیل تهران همه به سمت حوض سلطان و دریاچه کویر نمک قم رفت. سیل‌هایی که در استان اصفهان آمد همه به سمت گاوخونی رفت یا سـیل‌های استان فارس همه به سمت بختگان، طشک و کمجان رفت و همه اینها به تاب‌آوری سرزمین کمک کردند.

با ایـن تعریفی که ارائـه دادید، اصلاً حال را به من بدهید تا آب را باز کنم. ولی ما در کشور خودمان مثلاً در بالادسـت خوزستان طرح های انتقال آب اجرا می کنیم، سدهای متعدد می‌زنیم که خوزستان را خشک کنیم یا سد چم‌شیر را در استان کهگیلویه و بویراحمد می‌زنیم که شادگان را خشک کنیم. در بالادست استان فارس سد ملاصدرا و سیوند را می‌زنیم و بعد بختگان را خشک می کنیم یا در بالادست زاینده‌رود سد می زنیم و گاوخونی را خشک می کنیم. بعد چشمه های گرد و خاک آن روی سرخود ما می‌ریزد. این در خوشبینانه‌ترین حالت یعنی آخر نابخردی، البته چیزهای دیگر هم می‌توان درباره آن گفت.

دقیقاً برعکس همین تحلیل شما هم گفته می‌شود و می‌گویند در شرایطی که بقیه کشـورهای دنیـا دارند، آب را روی ما مـی بندند ما حتـی نباید بگذاریم یـک قطره از ایـن آب هدر رود.

این آب اصـلاً هدر نمـی‌رود. ما اتفاقـاً به کمک تالاب‌های خودمان که همه آنها نیز در کنوانسیون رامسر ثبت جهانی شـده‌اند، تاب‌آوری سرزمینی خود را افزایش می‌دهیم، چشمه‌های تولید گرد و خاک را مهار، تفاوت دمای شب و روز را کم، کشور را برای مردم توریست‌پذیر و سونامی ریزگردهای کمتر از ۲/۵ میکـرون را مهار می کنیم و این همه هزینه‌هایی که الان داریـم می‌دهیم، دیگر نمی دهیم.

چرا در خوزسـتانی که قطب کشـاورزی کشـور اسـت، بالاترین میزان مهاجرت اتفـاق می‌افتد؟ چرا ۱۰ هزار معلم خوزسـتان را تـرک کرده‌اند و ۱۰ هزار معلم دیگر درخواست مهاجرت داده‌اند؟ چرا در خوزستانی که می‌شود پول پارو کرد، کسی دیگر حاضر نیسـت زندگی کند؟ این سرنوشـت سیسـتم اداره سرزمینی اسـت که قوانین حاکم بر محیط‌زیسـت کشور خود را به سـخره بگیرد. خوزسـتان مانند حوزه آبخیز دریاچه ارومیه یک آزمایشـگاه بزرگ و یک درس عبرت است. حوزه آبخیز دریاچه ارومیه بیش از دو برابر میانگین کشور بارندگی دارد. ما آنجا را خشک کرده‌ایم. این مانند خانواده‌ای است که متوسط درآمد ماهانه‌اش ۳۰ میلیون تومان است، یعنی بیش از دو برابر متوسط یک خانوار در ایران اما رفته ماشین لوکس و ویلای شمال خریده، کلی معاملات انجام داده و وام‌های زیادی هم با سود ۳۶ درصد گرفته‌است، خب این خانواده اکنون حق ندارد بگوید چون من ورشکست شدم، باز هم به من وام بدهید.

وقتی بـه افـرادی که در بالادسـت رودخانه ارومیه هسـتند یـا افرادی که در پایین دست سد کرخه در حال کاشت برنج هستند بگویید قرار است سـد را باز کنیم و دیگـر آبی ذخیره نمی‌کنیم، بلکه خود شما باید این آب را مدیریت کنید، اتفاقی که می‌افتد این است که در میان تابستان از شما انتظار دارند آب کافی برای کشت‌های پرآب برای آنها برسـانید؛ پاسخ این افراد را چه می‌دهید؟

عین این کار الان در اسـتان اصفهـان هم انجام شده‌است. مسـیر چشـمه لنگان و خلجستان به عنوان دو تا از سرشـاخه هـای کارون را منحرف کرده و آورده‌اند به سمت زاینده‌رود که مثلاً وضع زاینده رود را بهتر کنند، ولی در محدوده فریدون شـهر و فریدن این آب از سـوی خود کشاورزها استفاده می شود و اراضی شـیب‌دار و مراتع را زیر کشـت برده‌اند و نمی گذارند یک قطره از این آب به پایین دست برسد. چرا این اتفاق می افتد؟ اصل ماجرا اینجاست؛ در نظر بگیرید زمستان است و هوا سـرد، یک خانواده‌ای برای گرم کردن خود چند راه‌حل دارد، یا می‌تواند نفت بسوزاند یا از پنل‌های خورشیدی و سیستم‌های گرمایشی استفاده کند یا می‌تواند مبلمان خود را به داخل شومینه بیندازد یا تراول های ۱۰۰ هزار تومانی خود را آتش بزند. همه این کارهـا منجر به گرم شـدن آنها خواهد شد، ولی خردمندانه این است که شما از سوختی استفاده کنید که ارزان‌ترین قیمت را داشته باشد و پایدارترین حرارت را تولید کند. ما در کشورمان برای تولید گرما سراغ سوزاندن اسکناس های ۱۰۰ هزار تومانی رفته‌ایم.

در کشوری که در قلمرو خشک جهان قرار گرفته و متوسط تبخیر آن بالای ۳ هزار میلیمتر است و بارندگی آن هم یک سـوم میانگین جهانی است، همه راه‌های توسعه ما ختم شده به اینکه از طریق استقرار توسـعه صنایع آب‌بر و انرژی‌بر و از طریق کشـاورزی پول تولید کنیم. چرا ما با سـوزاندن اسکناس‌های خود می‌خواهیم خود را گرم کنیم؟ بعد وقتی که می بینیم آب کم اسـت می گوییم برویم آب ژرف تولید کنیم، انتقال آب انجام دهیم، آب‌های خلیج فارس را شیرین کنیم. آخر چرا ما باید تن به چنین نابخردی‌ای بدهیم که بعد درگیر چنین مشـکلاتی شـویم، آن هم در کشوری که بالاترین پتانسیل انرژی خورشـیدی را در جهان دارد. کشوری که جزو ۱۰ کشـور برتر دنیا از نظر جاذبه‌های تاریخی و فرهنگی است و جزو پنج کشور دنیا از نظر جاذبه‌های طبیعی است. ما باید به سراغ بالفعل کردن مزیت‌های بالقوه کشورمان برویم و از محل ارائه جذابیت‌ها و زیبایی‌های این طبیعت پول تولید کنیم، نه از محل فروش و حراج آنها.

آبخیـزداری کار درستی است؟

من خودم ورودی سال ۱۳۶۶ دانشگاه تهران در رشـته آبخیزداری هسـتم. آبخیزداری به شکلی کشورداری است و هیچ کسی نمی‌تواند این علم را انکار کند، اما متأسفانه ما سهم درست آبخیزداری را که عبارت از کاهش سـرعت هرزآب‌ها برای مجال دادن به نفوذ آب اسـت تا ذخیره شود و فرسـایش را کم کند، از دسـت داده‌ایم و رفته‌ایم به سراغ چیزی که من به آن «آبخیزداری سـازه‌محور» می گویم و در واقع همان سدسازی به شکل کوچک است. مخازن نسبتاً متوسط در شیب‌های مختلف ایجاد کرده‌ایم، آب آنجا جمع می‌شـود که موتور پمپ می‌زنند و آب را از آنجا برداشت می کنند که کاملاً غیرقانونی است و همچنین وقتی که سیل شدید باشد، این آب‌بندها می‌شکند و خودش خسارت بیشتری ایجاد می کند، در صورتی که آبخیزداری واقعی به معنای مجموعه تمهیدات کاهش سرعت هرزآب است.

این تمهیدات چیست؟

مهم‌ترین تمهیدات این است که ما بتوانیم در محیط پرشیب کوهستانی پوشش‌های گیاهی ایجاد کنیم و این پوشش‌های گیاهی سـازگار با منطقه باشد تا بدون آبیاری مستقر شـود و خاک را حفظ کند. برای استقرار این پوشش‌های گیاهی باید حداکثر از موانعی به نام گابیون که همان سـنگچین‌های توری شـکل که آب از آنها رد می‌شـود، استفاده کنیم، نه اینکه مخازن سیمانی و کوچک بسازیم، چیزی که الان در آبخیزداری مد شـده و خودش مشکل‌ساز است.

آبخیزداری اگر به درسـتی و علمی انجام شـود می‌تواند به کاهش خسارت و افزایش ذخیره آب در کوهستان‌ها کمک کند.

اصلاً درختکاری در شرایط خشکسالی کشور ما قابل انجام است؟

ما نباید درخت بکاریم، بلکه باید ببینیم طبیعت چه می‌گوید، همان را اجرا کنیم. چیزی حدود ۲۰ میلیون هکتار از وسعت کشور ما استعداد رویش درخت دارد؛ یعنی می‌توانید بدون آبیاری درخت را مستقر کنید و یک شرایط جنگلی در هیرکانی، ارسـباران، زاگرس، توران و سواحل خلیج فارس ایجاد کنید، اما در بقیه مناطق کشور کاشت درخت یعنی آبیاری، یعنی تیمار کردن و کودپاشی و این اصلاً غیراقتصادی است. در بقیه مناطق کشور ما باید پوشـش‌های درختچه‌ای، بوته‌ای و علفی را مستقر کنیم که متناسب با توان اکولوژیکی منطقه اسـت و خاک را حفظ می کند، آب تولید می کند و هم بدون آبیاری به حیات خـود ادامه می دهد. بنابراین در دامنه‌های اطراف البرز در اطراف تهران یا در اطراف اصفهان کـه هیچ موقع جنگل نبوده، درختکاری اشتباه اسـت و ما باید برویم به سراغ انتخاب گونه‌های درختچه‌ای یا بوته‌ای مثل گون، کلاه میرحسن، زرشک و آنها را مستقر کنیم تا هم بتوانند خاک را حفظ کننـد و هم بدون آبیاری به حیات خود ادامه دهند.

این موارد سابقه اجرا در دیگر کشورها هم دارد؟

نه تنها در دیگر کشـورها بلکه در کشـور خود ما هم انجام داده‌ایم. در حوزه آبخیز بالادسـت سـد کرج منطقه شهرسـتانک پروژه مهندسی من در سال ۱۳۷۰ همین کار بود و اصلاً دلیل اینکه سد کرج کمتر دچار خسارت می شود، این است که در بالادسـت با همین روش‌های آبخیزداری صحیح تجهیز شده‌است. آنجا توانسـته‌ایم پوشش‌های طبیعی را مستقر کنیم و گونه‌های بومی منطقه و خسارت ناشی از سیل و فرسایش خاک را کاهش دهیم.

این روش‌ها چقدر می‌تواند پاسخگوی چنین طوفان‌های موسـمی باشد که شاهد آن بودیم؟ طبیعتاً همه امیدوار هستند سد در روز مبادا بتواند جلوی چنین طوفان‌هایی را بگیرد.

هرگز منطقی نیست ما یک مخزنی را بسازیم که هر ۱۰۰ یا ۲۰۰ سال یک سیلاب عظیمی مخزن آن را پر کند. البته اصلاً کارکرد سدسازی هم مهار سـیلاب نیسـت، بلکه یکی از مؤلفه‌های جانبی سدسـازی این اسـت که حالا مقداری سیلاب را هم می‌تواند مهار کند. نگاه کنید در سیلی که در سال ۹۸ اتفاق افتاد، با وجود اینکه بیشترین تعداد سدهای کشور را با ۱۳/۵ میلیارد متر مکعب حجم مخزن در استان خوزستان داریم، ولی آیا این سدها توانست جلوی سیل خوزستان را بگیرد؟ خیر! کل خوزستان رفت زیر آب.

اگـر در خوزسـتان درختچـه کاری و درختـکاری متناسـب داشـتیم، می‌توانست جلوی سیل را بگیرد؟

مگر ما چغازنبیل یا سـازه‌های آبی شوشـتر را در خوزستان نداریم؟ چغازنبیل حداقل ۴ هزار سال قدمت دارد، بعد سدسازها می‌گویند، اگر این سدها نبود خوزستان زیر آب می رفت. خب اگر قرار بود زیر آب برود که این همه سازه تاریخی چطور بعد از چند هزار سال زیر آب نرفته‌است؟ چون پدران و مادران ما در این سرزمین اتفاقاً قوانین طبیعت را می دانسـتند و براسـاس این قوانین چیدمان کشور را طراحی کرده‌بودند و می‌دانستند کجا چه ابنیه‌ای بسازند که هرگز خسارت از سیل نبیند و پوشش‌های طبیعی منطقه هم محفوظ بماند.

در حالتی که سیل موجب فرسایش خـاک و از بیـن رفتـن محصـولات کشاورزی می‌شـود، با آزاد گذاشتن سیل عملاً فرسـایش خاک و از بین رفتن محصولات کشاورزی را افزایش نمی‌دهید؟ همانطور که در سیل اخیر مشاهده شد.

سـیل خیلی خوب اسـت، ولی گفتم که ما باید پوشش‌های گیاهی متناسب با شرایط اکولوژیک در کوهستان ها را مستقر کنیم تا ضریب هرزآب را کاهش دهـد و اجازه ندهد کـه بارندگی قدرت تخریبی پیدا کند. این شـدت بارندگی‌های زیاد حجم زیـادی آب تولیـد می‌کند، ولـی این آب نمی‌تواند با خود خاک حمل کند و این حجم زیاد آب با یک درصد قابل‌قبولی از املاح در دشـت ها آرام‌آرام رسوب می کند و حاصلخیزی خاک را زیاد می‌کند، تعادل بخشی سفره‌های زیرزمینی را انجام می‌دهد و تالاب های ما را لبریز و چشمه‌های تولید گرد و خاک ما را مهار می کند.

در شـرایطی که الان ترکیه سدهای بسـیاری روی دجله و فرات ساخته و احتمالاً موجـب افزایش ریزگردها از طرف عراق و سـوریه به سـمت ما خواهد شـد، آیا نیاز نمی‌دانید که ما هم به دنبال سدسـازی برای ذخیره بیشتر آب برویم؟

ترکیه چرا دارد سد می‌سازد؟ به دلیل اینکه آب دارد از کشورش خارج می‌شود و می‌خواهد جلوی آن را بگیرد و آب را بفروشد، چون با این آب دارد به قدرت خودش اضافه می‌کند. برای آن مهم این نیست که در سه کشور سـوریه، عراق و ایران چه اتفاقی می افتد، او در چانه‌زنی‌های سیاسـی می گوید فلان

مسئولیت اجتماعی

حسین سروقامت

۶۴۲

قدیمی‌ترها! دسـت مریزاد که به ما یاد دادید خانواده را بر هر چیزی مقدم بداریم، فعال باشـیم و منفعل نباشیم، چیزی ولو کوچک تولید کنیم و...

اما فقط همین؟ امروزه این قبیل آموزش‌ها نیاز نسـل جوان را برآورده می‌کند؟

چرا از آموزش‌های بنیادین سخن نگوییم؟

ما مهارت «همدلی» را بلدیم؟!

می‌دانیم «هم‌نگرشی»، «همفکری»، «همدلی»، «همزبانی» و «همکاری» پنج مؤلفه اساسی برای ارتباط مؤثرند؟

بلدیم بـرای ایجاد همدلی خـود را جای دیگران گذاشـته، از دریچه چشم آنان به هستی نگاه کنیم؟

می دانیم «مقبولیت» و «محبوبیت» دو شـرط اساسـی برای ارتباط همدلانه‌اند؟

به نقش معجزه‌آسای «محبت» در همدلی با دیگران واقفیم؟

می‌دانیم همزبانی مقدمه همدلی است و تنها با همدلی می‌توان به قله رفیع عشق ره یافت؟

ناز شست قدیمی ترها! اما هنوز مسائل مهمی وجود دارند که آموزش آنها به نسل جوان واقعاً ضروری است.

قضائیه

علیرضا سزاوار

گزارش اولیه کمیسیون عمران مجلس از فاجعه متروپل منتشر شد

کشف دهها تخلف ریز و درشت در ۶ دستگاه خاطی متروپل

گزارش کمیسـیون عمـران در خصـوص فاجعه متروپل نشـان می‌دهد طراحی پروژه از سـوی شـرکتی صورت گرفته که پروانه اشتغال مدیر عامل آن بیش از ۱۰ سال تمدید نشده‌است! تخلفات شهرداری، اداره کل شهرسـازی، نظام مهندسی استان و کشور، سازمان مناطق آزاد و وزارت راه در دولت سابق به اضافه تخلفات برخی اشـخاص حقوقی در این گـزارش محرز اعلام شده‌اسـت.

ساختمان ناایمن تنها ساختمانی نیست که به سازه دقت نشده‌است، بلکه ساختمان تغییر کاربری داده هم از نظر مدیریت بحران ناایمن محسوب می‌شود. اخیراً رئیس سـازمان مدیریت بحران کشور در همین زمینه و با اشاره به متروپل افشا کرد که در متروپل بسیاری از آهن‌ها به درستی جوش نخورده‌بودند و باید ۳۷۰ ستون زده‌می‌شد، ولی فقط ۲۷۰ ستون بود! برای همین سیمان و تجهیزات ساختمان پودر شدند. بنابراین مهندسان طراح و ناظر مسئولیت دارند و اگر ساختمانی بر اساس کم‌کاری‌ها فرو بریزد و مردم آسیب ببینند، قوه قضائیه به شدت برخورد می‌کند.

■ قانون گریزی‌های دوم خرداد

نمایندگان مجلس در گزارش اولیه دلایل حادثه ریزش ساختمان متروپل که ظهر دوم خرداد امسال اتفاق افتاد، به تشریح جزئیاتی از دلایل ریزش ساختمان و مقصران حقوقی حادثه پرداختند.

براساس گزارش اولیه کمیسیون عمران مجلس از حادثه متروپل آبادان، دهها تخلف ریز و درشت از سوی دستگاه‌های ذی‌ربط کشف‌شده و مناطق آزاد و وزارت راه دولت روحانی به صف متخلفان اضافه شده‌اند.

بررسی‌ها نشان می‌دهد در قضیه متروپل از مالک و مجری ساختمان گرفته تا پیمانکار، شهرداری، مهندسـان ناظر و سازمان نظام مهندسی استان و کشور، سازمان مناطق آزاد و منطقه آزاد اروند، اداره کل راه و شهرسازی و وزارت راه و شهرسازی تخلفاتی را مرتکب شده‌اند. این تخلفات هم از نوع استنکاف از قانون، نقض قانون و اجرای ناقص قانون بوده‌است.

■ مهم‌ترین علل تخریب ساختمان

اولین ایراد این پروژه پروانه ساختمانی آن بوده‌است. مساحت زمین پروژه در پروانه ساختمانی پس از اصلاح پروانه قید شده‌است، ولی نوع پروانه مشخص نیست و صرفاً پروانه ساختمان قید شده‌است. تعداد کل پارکینگ مورد نیاز هم صفر واحد قید شده‌است! و در این پروانه مشخص نیست کل طبقات ساختمان چند طبقه بوده‌است!

حال آنکه ساختمان متروپل در ۱۳ طبقه شـامل بام، ۱۰ طبقه تجاری - اداری - پارکینگ به علاوه همکف و زیرزمین و با سطح اشغال صددرصد ساخته شد.

نمایندگان مجلس مهم‌ترین علل تخریب سـاختمان را ضعف سـازه‌ای در پروژه‌ای با دهانه‌های وسـیع به طول ۱۶ متر، بار ثقلی بسـیار زیاد که با حذف یک تیر و یا ستون امکان اسـتواری کامل را ندارد، نامناسب‌بودن اتصالات تیرها و ستون‌ها، ضعیف‌بودن ستون‌ها، فقدان شکل‌پذیری لازم در اتصالات، ضعف جوشـکاری، ضعف بتن به نحوی که میلگردها بدون هیچ‌گونه پیوستگی و چسبندگی از بتن خارج شده و بتن در موارد متعدد خرد شده‌است، دانستند.

در گزارش نمایندگان تأکید شده که رعایت‌نکردن ضوابط شهرسازی، اجرا نکردن الزامات قانونی در تقبل و انجام وظایف و خدمات مهندسـی، اجرا نکردن صحیح وظایف و تکالیف قانونی، تعارض منافع شهرداری در مقابل کارفرمای پروژه از دیگر دلایل مهم تخریب متروپل بوده‌است.

طراحی ساختمان متروپل هم در حد طراحی برای یک ساختمان ۱۲ طبقه نبوده‌است. حضور نداشتن ناظرین واجد صلاحیت در بخش عمده دوران اجرای ساختمان ابهام عمیقی در کیفیت و مشخصات این ساختمان ایجاد کرده‌است.

■ تأیید نقشه‌های غیرمجاز!

گزارش‌های رسیده به مجلس حاکی از این است که پس از انصراف ناظرین و طراحان اولیه تعیین‌شده توسط سازمان نظام مهندسی، این نهاد در زمان معرفی ناظر جدید، نقشـه‌های سـاختمان را که غیرمجاز بودن آنها قبلاً مشخص شده بود، تأیید کرده‌است.

در گزارش نمایندگان مجلس به نکته جالبی هم اشاره شده‌است. طراحی اولیه پروژه توسط شـرکتی به نام «مهندسین مشـاور نقشیاد» صورت گرفته‌است. پروانه اشتغال شخص حقیقی مدیر عامل این شرکت بیش از ۱۰ سال تمدید نشده‌است! از این‌رو شرکت مذکور برای فعالیت در ساخت و ساز شهری و روستایی فاقد صلاحیت محسوب می‌شده‌است.

کمیسـیون عمران مجلس در بخش دیگری از گـزارش خود به تخلفات متعدد مهندسان ناظر و سازمان نظام مهندسی در این پروژه اشاره کرده و آورده‌است: مهندسان ناظر بعد از گذشت دو ماه از امضای نقشه‌ها و با توجه به انجام نشدن اصلاحات و اعلام مخالفت مالک ساختمان با پرداخت مبلغ مورد توافق، انصراف خود را از ادامه پذیرش مسئولیت در پلاک فوق‌الذکر اعلام داشـته‌اند. این روند با هیچ یک از ترتیبات قانونی موجود سازگاری ندارد.

در پروانه ساختمانی نام مجری دارای صلاحیت نیز ذکر نشده و معلوم نیست هر قسمت از عملیات